

آینة



نخبگان را باید به میدان بیاورد

● **محمدرضا خباز:** باید ترس کاندیداشدن را از نخبگان کشور گرفت تا بتوانند با اطمینان برای حضور در مجلس اقدام کنند. اگر شورای نگهبان این ترس را از افراد بگیرد، طبیعتا افراد بسیار شایسته‌ای در کشور به خود اجازه کاندیداشدن می‌دهند و در غیر این‌صورت مجلس رکن اصلی کشور نمی‌شود. اینکه گفته می‌شود مجلس در رأس امور است، منظور چنین مجلسی است. آن چیزی که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند که مجلس ریل‌گذاری باید بکند و قطار اجرا باید روی آن حرکت کند چنین مجلسی است. اگر قصد دارند که مجلس آینده قوی‌ترین مجلس بعد از انقلاب باشد راهش آن است که شورای نگهبان در زمان ثبت‌نام کاندیداها اعلام کند که بجز چهار مرجعی که قانون اعلام نظر کرده، روی دیگر مسائل اظهار نظر دیگری نخواهد بود. این جمله شورای نگهبان اطمینان خاطر برای نخبگان کشور می‌شود و در نتیجه نخبگان کشور به‌ویژه آثانی که دارای تجربه هستند خود را کاندیدا می‌کنند.



شخصیتی در تراز نظام اسلامی

● **عبدالله کتبی:** قطب‌بندی‌های حداکثری، واردکردن اتهام‌های کفری و سیاسی به همدیگر، تنش، بداخلاقی، متهم‌کردن همدیگر و هیاهوی بی‌حاصل در سپهر سیاسی ایران قابل کتمان نیست. برخی طوری سیاست‌ورزی می‌کنند که می‌توان فهمید از «دین سیاسی» پیروی می‌کنند نه «سیاست دینی». برخی قدرت برایشان اصالت دارد هرچند منکران باشند. برخی اصرار دارند دیده شوند و اگر دیده نشوند به ناسازگاری و حتی تحریف انقلاب و اسام رمی می‌آورند. برخی مدعی «من برتر» در حل مسائل کشور را دارند و برخی حیات سیاسی را در نفی دیگری و همسویی باندی با نزدیکان می‌دانند. برخی نظام را متهم می‌کنند تا هزینه همراهی دیروز را در آینده پرداخت کنند. اما آیت‌الله شاهرودی اهل هیچ یک از این قبایل نبود... او با اجتهاد خود حکم سنگسار را با توجه به عنصر زمان و مکان در دستگاه قضا به تعلیق درآورد و در نوآوری فقهی دارای سبک و نظر بود. اما این خصایص برای نسل‌های متاخر انقلاب اسلامی بازگو نشد. در حوزه نیز مانند عرصه مدیریت و حکومت بی‌هیاهو بود. مدعایی نداشت، فخری نفروخت و در یک کلمه از روحانیون در تراز حوزه علمیه هزارساله شیع و مدبران هم‌تراز نظام اسلامی بود. با اینکه در تراز مرجعیت و قفاحت بود در مقابل رهبر انقلاب بسان سرباز رخ‌نمایی می‌کرد و در هر سگری که رهبری فرمودند قرار گرفت.

اعتبار

صیانت از شان مجلس

● **مصطفی کواکبان:** تعدادی از نمایندگان با تجمع مقابل جایگاه هیئت رئیسه عملا منجر به بروز نوعی ناهماهنگی و بی‌نظمی در جلسه شدند که حقیقتا در شان مجلس نیست. همه می‌دانیم لازم است که عدالت به طور کامل در همه شهرها و استان‌های کشور جاری باشد و رئیس‌جمهوری و دولت رویکردی عادلانه در قبال همه مناطق کشور داشته باشند. به هر حال آب حق همه شهروندان است و درخواست مردمی که متقاضی آب هستند باید از سوی دولت مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر آن رعایت شان مجلس نیز ضروری جدی است و نباید به نحوی عمل شود که احیانا جایگاه نمایندگان و مجلس مورد بی‌احترامی قرار گیرد. شخصا موافق این اقدامات و این رفتارها نیستم و فکر می‌کنم لازم است همه با رعایت قانون و آیین‌نامه داخلی مجلس اگر اعتراض یا خواست‌های دارند، موضوع را از طریق قانونی پیگیری کنند. حال آنکه متأسفانه شاهد بودیم در لحظاتی سخنرانی رئیس‌جمهور مختل شد. حال آنکه این شیوه درستی نیست و باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

کیهان

گفت‌وگودر خلیج فارس!

● **محمدحسین محترم:** آنچه علنی در فضای دیپلماتیک میان ایران و آمریکا گفته نمی‌شود، در قلب آب‌های خلیج فارس گفته شد، آن هم با زبانی که نیروهای سیاه به‌خوبی به‌کار بردند و آمریکایی‌ها هم به‌خوبی آن را فهمیدند. امروز دیگر آب‌های خلیج فارس همان آب‌هایی نیست که این ناو هواپیمابر در سال ۲۰۰۱ در آن حضور داشت. ناو هواپیمابر یواس‌اس جان استینس در مقابل دیدگان گشتی‌های سیاه و در تیرس موشک‌های سیاه، وارد آب‌های خلیج فارس شد. در حالی که پنتاگون هدف از اعزام ناو هواپیمابرش به خلیج فارس را نشان‌دادن توان خود اعلام کرده بود اما به آندشان خبرگزاری آسوشیتدپرس «این ایران بود که توان خود را به رخ آمریکا کشید و شکستی دیگر برای ابهت کشوری بود که ادعای ابرقدرتی داشته است.» شبکه تلویزیونی الجزیره عربی هم تأکید می‌کند «ایران در عمق سواحل خلیج فارس یکی از قوی‌ترین رزمایش‌های زمینی و دریایی خود را به اجرا درآورد و هنگامی که نیروهای ایرانی از خاک دشمن سخن می‌گویند، منظورشان هر جایی است که ممکن است امنیت ملی ایران را هدف قرار دهد» و این سخن یعنی اینکه ایران به هر جایی که به عنوان سکوی تجاوز به ایران محسوب شود، توان حمله پیشگیرانه خواهد داشت.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

نگاهی به جدیدترین استراتژی اصولگرایان در برابر احمدی‌نژاد

دستور برخورد



علی، سید، سامان اقامی، یونس

کرده‌اند، «مردم اسرائیل» معرفی می‌کردند و در درگیری تروریست‌های تکفیری با دولت سوریه حق را به معارضان می‌دادند؟! همان‌ها امروز می‌گویند همه مسئولان باید کنار بکشند تا ما و دوستانمان زمام امور را در دست بگیریم! یارو به پزشک مراجعه کرد و گفت: آقای دکتر مدتی است که هیچ‌کس به من محل نمی‌گذارد! دکتر گفت: نفر بعدی! اگر کلمه «احمدی‌نژاد»، «بقایی» یا «مشیایی» را در رسانه‌های اصولگرا در آن مقطع جست‌وجو می‌کردید، تعداد اخبار مرتبط بسیار اندک بود اما ماجرا از زمانی به بعد تغییر کرد. از زمانی که احمدی‌نژاد، بقایی و مشیایی تحركات خودشان را به گسترش دادند. نامه می‌نوشتند یا فایل ویدئویی از خودشان منتشر می‌کردند یا در حاشیه دادگاهی، جنجالی به پا می‌کردند و دست‌آخر هم متحن می‌شدند. آنها رسانه داشتند و از شبکه‌های اجتماعی هم بهره می‌بردند؛ پس بایکوت خبری‌شان از سوی اصولگرایان لزوما باعث دیده‌شدن آنها نمی‌شد. از اینجاست که استراتژی اصولگرایان در برابر احمدی‌نژاد و یارانش شروع به تغییر کرد و حملات کج‌مک شروع شد. عده‌ای از اصولگرایان او را «فتنه‌گر» یا «لات انچشم‌افتاده» و «دروغگو» خواندند. قدیری‌ایبانه از فعالان اصولگرا هم معتقد است محمود احمدی‌نژاد باید فوراً در یک بیمارستان روانی بستری شود. او گفته است: «معلوم می‌شود او بر اثر فشار کار در ایام ریاست‌جمهوری دچار معلولیت ذهنی شده است و این معلولیت در طول زمان עוד کرده است!».

مجلس در ماه‌های پایانی آن دولت، به نحوی تصمیم گرفته بودند که دست به بایکوت جمعی او بزنند. آنهایی که روزی اطاعت از احمدی‌نژاد را «اطلاعت از خدا» می‌دانستند، امروز احمدی‌نژاد برایشان به کابوسی تمام‌نشدنی تبدیل شده است و هر کاری می‌کنند تا هشت سال عملکرد دولت احمدی‌نژاد پایشان نوشته نشود. استراتژی سکوت آنها به‌ویژه در بزنگاه انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ شدت گرفت. هیچ رسانه اصولگرایی در نشست خبری‌ای که احمدی‌نژاد برای حمیدرضا بقایی ترتیب داده بود اما سخنران اصلی خودش بود، نه‌تنها شرکت نکرد بلکه حتی یک خط هم از سخنان او را در رسانه‌هایشان منعکس نکردند. آنها حتی خبر ثبت‌نام محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ را هم بایکوت کردند. ماجرای آنها و احمدی‌نژاد تا مدت‌ها «شتر دیدی ندیدی، بود».

کیهان در مطلب گفت‌وشنود خود با عنوان «یوزخند در کنایه به احمدی‌نژاد نوشته بود: «بعضی‌ها که مثل رژیم شاه اصرار داشتند مکتب اسلام را حذف کنند و به جای آن مکتب ایرانی!!» را جایگزین کنند، امروز از اعتقاد راسخ خود و دوستانشان به اسلام و انقلاب سخن می‌گویند! همان‌ها که به صراحت می‌گفتند یا خشت‌نوشته کوروش می‌توان دنیا را اداره کرد؟! و می‌گفتند دوران اسلام‌گرایی تمام شده است؟! اصولگرایان بعد از زوایایی که با دولت سابق پیدا کرده، به‌ویژه بعد از ماجرای یکشنبه‌ معروف

عباس عبدي، روزنامه‌نگار در مطبلی با اشاره به اینکه اصولگرایان باید درباره احمدی‌نژاد به دو سؤال پاسخ دهند، نوشته بود: «اول اینکه چرا در زمان ریاست وی بر دولت در برابر چنین کارهای مشابه آن دولت، سکوت یا حتی تأیید کردند؟ آیا نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که نحوه داوری اکثر اصولگرایان درباره امور جاری کشور مبتنی بر انتساب عاملان رفتار به گروه آنان یا مخالف اصولگرایان است؟ اگر عامل آن سیاست جزء آنان است که درست تأیید می‌کنند و اگر از مخالفان و منتقدان آنان است، آنان را درست تخطئه می‌کنند؟ موضوع دوم این است که اصولگرایان تاکنون به این پرسش پاسخ نداده‌اند که چرا احمدی‌نژاد و یارانش از دل اصولگرایان بیرون آمدند، در فاصله اندکی از اوج رفاحت، به یک ضدیت حاد با آنان رسیدند؟ آیا از ابتدا آنان را اشتباهی جزء خود می‌دانستند؟ یا آنکه این افراد دچار تحول پیش‌بینی‌نشده شده‌اند و چنین رفتاری از خود نشان می‌دهند.».

همان زمان این بحث هم مطرح بود که پس چرا به تحلفات دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد رسیدگی نمی‌شود. چرا دادگاهی که قرار بود او را بابت برخی شکایات محاکمه کند، برگزار نمی‌شود و... روزنامه جمهوری اسلامی در مطبلی نوشته بود: «چرا باید نظام قضائی با سکوت خود رفتاری کند که افکار عمومی کمترین امیدی به پیگیری خطاهای پرتعداد و عملکرد غیرقانونی دولت‌های نهم و دهم نداشته باشد و تصور کند گویا عمدی در کار است که مسائل «مشمول مرور زمان» شوند؟ نظام قضائی در عین حرمت‌گذاری به حیثیت افراد، باید در انجام وظایف و مسئولیت‌های تعطل‌ناپذیر خود، جدی، مصمم و بدون رودربایستی و به‌دور از حب‌وبغض‌های سیاسی و باندی، به‌گونه‌ای عمل کند که هیچ مسئولی تصور نکند «تافته جدابافته» است.

درعین‌حال به مردم و افکار عمومی جامعه به‌خوبی ثابت شود که هیچ تبعیض و ملاحظه و تفاوتی در برخورد با خطاکاران حرفه‌ای وجود ندارد و همه در برابر قانون مساوی هستند». با احمدی‌نژاد برخوردی نشد اما نزدیکان او از سوی دستگاه قضائی بازداشت و محاکمه شدند.

به نظر می‌رسد مطبلی که سایت جهان‌نیوز درباره احمدی‌نژاد نوشته است، آغاز یک استراتژی جدید در برابر احمدی‌نژاد است. ناصر ایمانی، روزنامه‌نگار اصولگرا زمانی معتقد بود «آنها تا زمانی که نخواهند آسیب جدی به نظام بزنند، باید تحمل‌شان کرد، ضمن آنکه به آنها خیلی توجه نیز نکرد و نپرداخت. این اتفاق آنها را مجبور می‌کند که سکوت کنند یا اقدامات تدرتی انجام دهند. آن وقت اگر بخواهند اقدامات تدرتی انجام دهند باید با آنها برخورد شود؛ چون چاره دیگری نیست». گویا احمدی‌نژاد دیگر قرار نیست از سوی جریان اصولگرایی تحمل شود!

از رویکرد عدالت ترمیمی را در نظام ایران نیز مشاهده کرد. با توجه به سنت‌ها، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی ایران، ردپای اندیشه‌های عدالت ترمیمی مبتنی بر مصالحه، مدارا و بخشش را در جلوه‌های مختلف حیات اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد. در ایران نیز در داوری‌ها و دادرسی‌های سنتی روش‌های مبتنی بر مصالحه و سازش از قدمتی دیرینه برخوردار است. تعالیم مذهبی ما نیز توصیه به روحیه گذشت و ایثار و مصالحه را حتی در جرمی مثل قتل عمد فراموش نمی‌کند.

در میان تمدن‌های قدیمی و ریشه‌دار و همچنین عشایر و روستاییان، از قدیم آیین‌های متداولی وجود داشته که براساس آن، اختلافات ناشی از جرائم را در میان خود فیصله می‌دادند، این راه‌حل‌های عرفی فصل‌نامه‌ی می‌شود. فرایند اجرای این رسم دارای برخی ابعاد ترمیمی است. وجود میانجی برای گفت‌وگو با طرفین اختلاف برای حصول سازش، ضرورت رعایت احترام به طرفین در فرایند اجرای این رسم، اقرار مرتکب به جرم ارتکابی و تسلیم خود در جریان اجرای آیین فصل، پرداخت خسارت به زه‌دیده یا اولیای وی و در نهایت حصول سازش و توافق در صورت موفقیت‌آمیزبودن این فرایند، از جمله ویژگی‌های ترمیمی آن است.

در قوانین و مقررات کیفری پس از انقلاب با توجه به تراکم پرونده‌های کیفری در محاکم و به‌طورکلی معایب سیستم عدالت کیفری، جلوه‌هایی از نظام دادرسی ترمیمی در قالب مفاهیمی از قبیل سازش، مصالحه، حکمیت و داوری به منصفه ظهور رسید. به عنوان نمونه در قانون آیین دادرسی کیفری موادی در ارتباط با میانجیگری وجود دارد که نشان‌دهنده همین رویکرد نوین عدالت ترمیمی است و همچنین وجود آشفنگی در نظام عدالت کیفری، مقنن را بر آن داشت تا اقدام به وضع قانون در راستای تأسیس نهادهایی برای ایجاد صلح و سازش کند. برای مثال یکی از این نهاده‌ا، شورای حل اختلاف است. قانود شورای حل اختلاف در راستای کاهش مراجعات مردم به دادگستری و توسعه مشارکت مردمی، در سال ۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بنابراین از دیرباز روش‌های مختلفی بر روابط حقوقی مردم در حل‌وفصل اختلافات آنان حاکم بوده که هدفشان ایجاد روحیه گذشت و صلح و سازش میان طرفین بوده است. بنابراین تفاوت اساسی فرایند ترمیمی با فرایند رسیدگی کیفری سنتی، نتیجه فرایند رسیدگی است که در اولی محکومیت یا برائت است اما در فرایند ترمیمی توافق است. بنابراین در عدالت ترمیمی جامعه محلی، خویشان و بستگان دیگر نظاره‌گر نیستند. زه‌دیده در فرایند رسیدگی و حل‌وفصل اختلافات مشارکت فعال دارد. بزه‌کار از نتایج عمل مجرمانه خود، به‌ویژه خسارات روانی-عاطفی که ایجاد کرده است، مطلع می‌شود و در رفع ترمیم آن داوطلبانه شرکت می‌کند. این مصالحه و سازش در نهایت زمینه ندامت و اصلاح مجرم و بازپذیری اجتماعی او را مساعد می‌کند و به این ترتیب، از تکرار جرم نیز پیشگیری خواهد کرد.

خبر

سخنگوی فراسکسیون امید:

درباره بودجه مؤسسات فرهنگی خاص برگزاری رفراندوم چاره کار است

● **انتخاب:** بهرام پارسی، سخنگوی فراسکسیون امید درباره بودجه مؤسسات خاص فرهنگی می‌گوید: شاید بتوان گفت برخی از نهادهای فرهنگی علاوه بر اینکه اثرگذار نبوده‌اند، حتی می‌توانم بگویم گاهی آنها با حادثدن مشکلات فرهنگی مطالبه‌گر هم می‌شوند که چرا وضعیت فرهنگی کشور به این شکل است. یعنی علاوه بر اینکه بودجه دریافت می‌کنند، منتقد هم هستند و به هیچ نهادی هم پاسخ‌گو نیستند.

پارسیای درباره مباحث پیرامون بودجه مؤسسات فرهنگی خاص اظهار کرد: کاهش بودجه مؤسسات نظارت‌ناپذیر اثری روی زندگی مردم نخواهد داشت و بهتر است بدون تعصب و سیاسی‌کاری این بودجه‌ها اگر به صفر نمی‌رسند، دست‌کم کاهش یابند. درواقع مؤسساتی که پاسخ‌گو نیستند، نیازی به دریافت بودجه هم ندارند و دولت باید این موضوع را مورد توجه قرار دهد. این نماینده اصلاح‌طلب همچنین درباره بودجه مؤسسات خاص فرهنگی گفت: شاید بتوان گفت برخی از مؤسسات فرهنگی علاوه بر اینکه اثرگذار نبوده‌اند، حتی می‌توانم بگویم گاهی با حادثدن مشکلات فرهنگی مطالبه‌گر هم می‌شوند که چرا وضعیت فرهنگی کشور به این شکل است؛ یعنی علاوه بر اینکه بودجه دریافت می‌کنند منتقد هم هستند و به هیچ نهادی هم پاسخ‌گو نیستند.

او همچنین با اشاره به عدم رضایت مردم از تخصیص بودجه به برخی از مؤسسات فرهنگی گفت: درباره بحث رفراندوم، بارها گفته‌ام که این اصل معطل‌شده قانون لازم‌الاجراست. در واقع اصل ۵۹ قانون اساسی، آن‌قدر معطل مانده که برای قانون‌گذار و مجری و مردم ناآشنا شده است. او ادامه داد: نه‌فقط در این موضوع بلکه در بسیاری از موضوعات لاینحل دیگر، رفراندوم چاره کار است چراکه در نهایت چوب بسیاری از مشکلات را مردم می‌خورند. نتیجه تصمیمات ما برای مردم ملموس است در نهایت هم آنها باید قضاوت کنند و نظر بدهند. اما به جایی رسیدیم که اگر کسی از اصل ۵۹ قانون اساسی یعنی رفراندوم سخن بگوید، به او تهمت ضدانقلاب‌بودن می‌زنند و برخی نظر مردم را برنمی‌تابند.

مردم از بودجه مؤسسات خاص فرهنگی رضایت ندارند

او همچنین درباره بحث بودجه مؤسسات خاص فرهنگی تأکید کرد: براساس رابطه‌ای که با مردم و فضای مجازی دارم، می‌توانم بگویم مردم اصلا از این بودجه‌ها رضایت ندارند. درحال حاضر افراد و جوانان زیادی زیر خط فقر هستند بر همین اساس هم مردم ترجیح می‌دهند در این مسائل منافع ملی و منافع عموم در نظر گرفته شود و نه منافع شخصی، گروهی و جناحی. او اظهار کرد: اکثریت مردم به این نحوه مدیریت در مسائل مختلف انتقاد دارند و این انتقاد هم بجاست.

ادامه از صفحه اول

خطر عقب‌ماندگی ایران

در اینجا هم با تعارض منافع نمایندگان با منافع ملی روبه‌رو هستیم.

۲- تعارض بین منافع دولت‌مردان و جامعه در ایام انتخابات می‌تواند منجر به مداخله جانبدارانه دولت‌ها در امر انتخابات شود، به‌همین دلیل در بسیاری از کشورها تمهیداتی اندیشیده می‌شود. تا این تعارض منافع مدیریت شود و خسارتی به جامعه تحمیل نکند. در ایران نظارت شورای نگهبان با هدف جلوگیری از این مداخلات احتمالی مطرح شده است. این‌حال شیوه‌های اجرای این نظارت و خروجی آن به گونه‌ای است که ظن رقابت سیاسی را تقویت می‌کند. به بیان دیگر مهم نیست که هدف از رد صلاحیت نامزدها، واقعا تضعیف جریان سیاسی رقیب باشد یا نباشد، مهم این است که تعارض منافع بین مسئولان نظارت که گرایش سیاسی خاص داشته و هرگز از ابراز این گرایش واهمه‌ای ندارند و جامعه که منافعش در گرو برگزاری انتخابات گسترده و دورگیرنده همه سلبقه‌های مطرح و با حداکثر مشارکت است، وجود دارد. این نکته نیز قابل‌تأمل است که نهاد نظارتی کمترین تلاش را هم برای مبراکردن خود از این اتهام در منظر افکار عمومی هم‌کار نمی‌بندد. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود دامنه مبحث مدیریت تعارض منافع از فضای تجارت تا سپهر سیاست گسترده است و متأسفانه از نظر به‌کارگیری تمهیداتی برای اعمال آیین مدیریت به‌طرز کارآمد، کاستی‌های فراوانی در جامعه به چشم می‌خورد. بی‌تردید بی‌توجهی به این کاستی مهم و تأثیرگذار مقدمات افول و عقب‌ماندگی کشور و جامعه را فراهم می‌کند.

مرگ دلخراش و مسئولیت دانشگاه آزاد

قصور مدیریت در نظارت بر زیرمجموعه خود و رقم‌خوردن چنین فاجعه‌ای، انکارشدنی نیست؛ حال چه نهادی و چه کسانی پاسخ‌گوی این فاجعه در قبال خانواده‌های داغدار این عزیزان و ملت ایران هستند؟